



بی‌نهایت، ابدیت، ازلیت، روشنایی و جاودانگی

و خلود بی‌زمانی، بی‌مکانی، ... عشق و زیبایی

بوده است و آن «من» راستین و اهورایی

خویش را با این معانی ماورایی خویش

می‌یافته و بدانها سخت نیازمند و وابسته

نسبی است و محدود و عرضی و مقید

و زشت ... با این زمانهای شوم از روح بلند

پرواز انسان ناتوان است. پس این

معانی از که در روان انسان افتاده است.

هنر نتیجه وجود آفرینش و خلق

بعلاوه بی‌دوستی است، چنانچه انسان

تنها ملهم از آفرینشگری خود باشد،

اثری که توسط او به وجود خواهد آمد

صنعت خواهد بود. اما چنانچه بایستی آفرینش

اصل باشد، انسان را در هنر

خواهد بود. به یک تعبیر خلاصه و سلیخته،

پیدایش تمدنها از حرکت خداجویانه انسان

و سیر او به سوی خدا نشأت گرفته است.

از همین نهانخانه است که سه جلوه شگفت

و غیرمادی که همواره با انسان قرین بوده است

سرزده است. مذهب، عرفان و هنر.

هنرآوری نتیجه وجود حس آفرینش و خلق

بعلاوه بی‌دوستی است، چنانچه انسان تنها

ملهم از آفرینشگری خود باشد، اثری که

توسط او به وجود خواهد آمد صنعت خواهد بود،

اما چنانچه بایستی آفرینشگری

وجود آمده یک کار هنری خواهد بود، به یک

تعبیر خلاصه و موجز پیدایش تمدن از حرکت

خداجویانه انسان و سیر او به سوی خدا

نشأت گرفته و هنر اقوام را در ریبای این

حرکت عملی و سلی‌ترین عنصر

به وجود آمده تمدن و صنعت آن هنر است.

اما چنانچه بایستی آفرینشگری

در اصل خدا را ملاقات کرد و به خداوندی خدا

خواهی داد «الست بریکم قالوا بلی». بنابراین هر

فعل زیبایی که از او صادر می‌شود و تبدیل به اثر

هنری می‌گردد در فحوای آن «قالوا بلی» نهفته

است.

حضرت آدم) خود اولین پیامبر نیز بود. از این رو انسان و مذهب هیچگاه از یکدیگر مجزا نبوده و در تمامی طول تاریخ موافقت و مقارنت با یکدیگر داشته‌اند.

هنر دینی - حال پرسش این است که چه چیز باعث انحراف بشر از این تفکر خداجویانه شد و به انسان محوری توصل جست؟

مذهب پیوسته زیر ساخت کثش و واکنشهای بشریت طول تاریخ تلقی می‌شود و در این هنر البته دارای موقعیت خاصی است. با جرات می‌توان مدعی شد که اولین هنری مخلوق بشر با انگشتری مذهبی و با ماهوایی شکل یافته است و به مراتب می‌توان گفت چنانچه انگشتر شده وجود نمی‌داشت بیش از نیمی از تاریخ هنر شته باقی نمی‌ماند.

آقای فهیمی فر: این به سبب جدا شدن از فطرت الهی است که گاه انسان معشوق اصلی را فرو می‌گذارد و چنگ به دامان معشوقهای کاذب می‌بندد. انسان دارای روح درونی است و شرک در او راه ندارد. بیایات هنری او تابع چنین وضعی تجلی می‌یابد. هنر است که نفس آلوده به هوسها می‌شود و در دینیت و استقلالی در برابر ذات ربوبی برای کسب لذت کفرانگیز او نیز آلوده به خباثت می‌گردد و تصویر نفس امّاره او می‌شود.

هنر دینی - دین از کجا با انسان فریخته است و آنگاه نسبت هنر با دین چیست؟ آقای فهیمی فر: شریعت با ظهور پیامبران و ظهور انسان مقارنت داشته، چه نخستین انسان

چون بستری به مثابه زیر ساخت و واکنشهای بشریت در طول تاریخ تلقی می‌شود و در این میان هنر البته دارای موقعیت خاصی است. با جرات می‌توان مدعی شد که

اولین اثر هنری مخلوق بشر با انگیزه‌های مذهبی و باورهای ماورایی شکل یافته است و با جرأت‌تر می‌توان گفت چنانچه انگیزه یاد شده

نکته دیگر اینکه آیا هنر ایران باستان نیز ساحت دینی داشته است؟

آقای فهیمی‌فر: تاریخ ادیان الهی دلالت

وجود نمی‌داشت بیش از نیمی از تاریخ هنر

نمانده باقی می‌ماند، بس، ذات و چهره هنر،

دینی است و دین بق پایه پای هنر نشیب

و فرازهای تاریخ است. به قول رنان:

ممکن است آن هنر را دوست

می‌داریم و تمسک چیزهایی که از لذایذ و

نعمتهای زندگی می‌شمس از میان برود اولی

محال است که دین از میان بشر نابود شود. یک

نکته دیگر را بسیم و آن اینکه هنر شرق

از دیرباز و شاید هنر غربی مبنی بوده

است، اما در غرب همان آغاز در جهت

لذتهای دنیوی مباد استفاده ق

است.

شمارشان سدهزار افزون است، متکی و متصل به قاصی وحی الهی و علم مطلق بوده‌اند قطعا

بنیانگذاری مدنیت نقش اصلی را کرده‌اند. از سوی دیگر بین النهرین باید اولین هنرهای در دنیا باشد که شهرنشینی در آن توسعه

پیوسته است و دولت شهرها را در کشورهای سومری اولی مبنی به شمار

رود. تاکید دین و مرکز دین در تمدن سومری (دین) سبب شده خانه خدا و معابد

مجاورت مرکز شهر ساخته شود و شهر به دور

مجاورت گردد. انسان سومری برپاداشتن معابد را موجب تلقین کاهنان ناشی از اراده رب النوعان و الهگان می‌پنداشت، چرا که کاهنان می‌گفتند

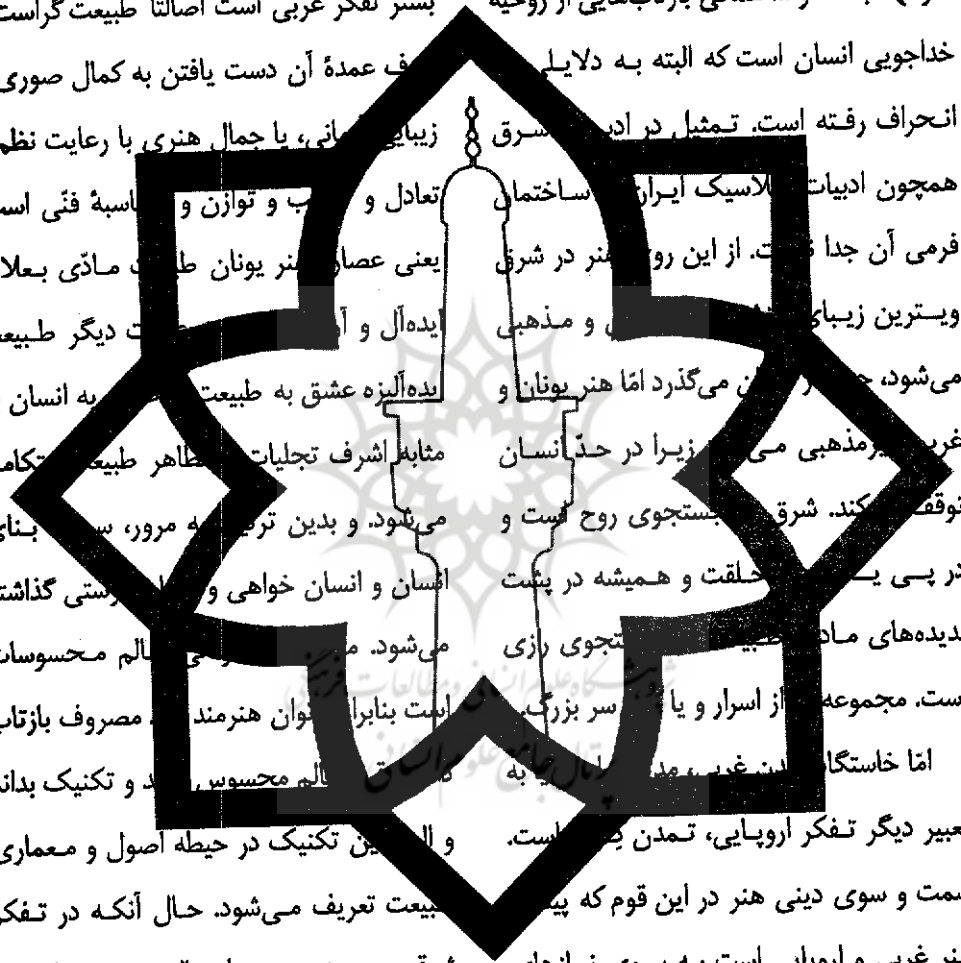
هنر دینی - اگر برای این تمایز هنر شرق غرب مبنی بر تفکر خداجویانه و مادیگرانه اعتباری قایل شویم، منابع استنباط کدامند و

مجاورت مرکز شهر ساخته شود و شهر به دور

مجاورت گردد. انسان سومری برپاداشتن معابد را موجب تلقین کاهنان ناشی از اراده رب النوعان و الهگان می‌پنداشت، چرا که کاهنان می‌گفتند

نقشه معابد را خدایان ترسیم کرده‌اند. جادوی کهن، خدایان نیکخواه و بدخواه، اساطیر، رب النوعها، بت‌ها و ... همگی بازتاب‌هایی از روحیه خداجویی انسان است که البته به دلایل انحراف رفته است. تمثیل در ادب و سرق همچون ادبیات کلاسیک ایران ساختمان فرمی آن جدا است. از این رو هنر در شرق ویتترین زیبایی‌ها و مذهب می‌شود، هنر در شرق می‌گذرد اما هنر یونان و غرب هر مذهبی می‌باشد زیرا در حد انسان توقف نکند. شرق جستجوی روح است و در پی یک حقیقت و خلقت و همیشه در پشت پدیده‌های مادی طبیعت جستجوی رازی است. مجموعه از اسرار و یا سر بزرگ اما خاستگاه این غیب و مبدء الهی به تعبیر دیگر تفکر اروپایی، تمدن غرب است. سمت و سوی دینی هنر در این قوم که پیش از هنر غربی و اروپایی است به سوی نیازهای صرفاً دنیوی متغیر می‌گردد و زاویه این تغییر در

حلقه‌های بعدی این زنجیره مانند یونان، روم و ... بیشتر و بیشتر می‌شود. هنر یونان نیز که باز بستر تفکر غربی است اصالتاً طبیعت گراست و هدف عمده آن دست یافتن به کمال صوری و زیبایی‌شناختی، یا جمال هنری با رعایت نظم و تعادل و تناسب و توازن و سادگی است. یعنی عناصر هنر یونان طبعاً مادی بعلاوه ایده‌آل و آسمانی است دیگر طبیعت ایده‌آلزه عشق به طبیعت به انسان به مثابه اشرف تجلیات مظاهر طبیعت تکامل می‌نماید و بدین ترتیب به مرور، سبک بنای انسان و انسان خواهی و انسان پرستی گذاشته می‌شود. مبدء هنر غربی عالم محسوسات است بنابراین انسان هنرمند به مصروف بازتاب مبدء عالم محسوسات و تکنیک بدانند و این تکنیک در حیطه اصول و معماری طبیعت تعریف می‌شود. حال آنکه در تفکر شرقی هر چه هنرمند از عالم محسوسات به سمت عالم معقولات و عالم معنویات برود اثری



که می‌آفریند از ارزش هنری بالاتری برخوردار است.

مذهبی در آثار این ناحیه است. یافتن هزاران شیء هنری ارزشمند در عبادتگاهها و گورستانها و یا اشیایی که تصاویر رب النوعها در

وجود دارد، بیان کننده نقش مذهب در بطن زندگی اجتماعی است. پیش از آغاز امپراطوری آریایی در ایران هنر اقوام پهنه کاملاً صبغه بومی و اصیل داشته و پیش از هنر آریایی‌ها دارای مختصاتی است که دین زرتشت از مهمترین ادیان ملل است. وجود تشابهات انکارناپذیر این با سایر الهی‌مآئند اسلام، مسیحیت ... تقریباً تنگدلی را باقی نمی‌گذارد که زرتشت الهی است. اما تشکیل امپراتوری در ایران و مالک الرقاب شدن انسان را موجب شد تا هنر خدمت دین به آن اختصاص یابد. هنر زرتشتی در آید.

تمدنهای اولیه ایران همچون تمدن عیلامی با تمدن کهنی مثل تل ابلیس که نزدیک کرمان شکل گرفته است، پیوند عمیق است. اعتقاد عمیق عیلامی به نیار عمیق بود چرا که این منطقه در مسیر ارتباط بین‌النهرین و میان‌رودان محل ارسال و مهبط وحی بود.

و این مورد قسم دوم سئوالتان باید عرض کنم. الهی اولیه ایران همچون تمدن عیلامی به نیار عمیق بود چرا که این منطقه در جنوب بین‌النهرین واقع شده بود که محل ارسال مهبط وحی بود. و یا مثلاً یکی از مهمترین ویژگیهای هنر لرستان حضور مؤلفه‌های

یعنی - و اما بعنوان آخرین سؤال برمایید که جایگاه هنر در اسلام چگونه است و نگاه دین به هنر به چه شکلی است؟  
آقای فهیمی‌فر: هنر در دیدگاه اسلامی از

زندگی و اشیاء زندگی جدا نیست و در بطن

زندگی اجتماعی و انفرادی جاری و ساری است.

هنر در اسلام چهره زیبای دست ساخته‌های

انسانی است و تافته جدابافته‌ای از سازه‌های

وجوهات و ابعاد زندگی نیست. حافظ دین از

انگیزه حرکت انسان بعنوان «رازین» نام

می‌برد رازی که با دل باختن معشوق و

آرزوی وصل او می‌رود و در راه او

دل می‌رود تا به خدا را

بیا که راز پنجه‌ها بدهد شد آشکارا

کشتی نشستگانیم ای باد شرطه برخیز

باشد که باز بینیم دیدار آشنا را

انسان در پی معشوقی است که عشق او از

نهاد انسان به ودیعه نهاده شده و در پی

درک و حقیقت مطلق به تلاش و تقلای

دائمی مشغول است و هنر انسانی به تصویر

کشیدن این سلوک است

هنر دینی انسان را در

اختیار ما قرار دادید. □



پروژه علوم الهامی ریاضیات فرنگی  
موسسه فرهنگی هنری